

پیوند مصلحتی «دونالد» و «ترزا»

بررسی چشم انداز مناسبات سیاسی و نظامی امریکا و انگلیس



مجید تفرشی

کارشناس و تحلیلگر مسائل انگلیس

پیروزی نظر هواداران خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، در فرآیند تاریخی موسوم به برگزیت، شرایطی را برای این کشور رقم زده که فارغ از نظرات گوناگون رهبران سیاسی و نخبگان این کشور در مورد رئیس جمهوری جدید امریکا، تحت هر شرایطی لندن ناگزیر به حفظ و گسترش مناسبات خود با واشنگتن خواهد بود.

دیدار اخیر ترزای نخست وزیر محافظه کار بریتانیا با دونالد ترامپ رئیس جمهوری جدید امریکا، ایراد سخنان دلگرم کننده و ارائه دورنمایی روشن و امیدوارانه در هر دو سو، این دیدگاه را تقویت کرده که طرفین علاقه مند به احیای روابط و بازسازی ورژن سده بیست و یکمی از نوعی ارتباط مارگارت تاچر-رونالد ریگان گونه از مناسبات دو کشور در هشتاد و دو سال گذشته میلادی هستند.

رهبران حاکم در بریتانیا و رسانه های حامی آنان، در شرایطی دم از احیای نوستالژی تاچر-ریگان می زنند که بخوبی آگاه هستند که در دوران پسابزرگیزت و شرایط دشوار و پیچیده خروج از اتحادیه اروپا، از جهات مختلف سیاسی، اقتصادی، امنیتی و راهبردی، گزینه های بسیار محدودی برای خروج از این مخمصه پیش رو داشته و راهی جز اتکا و ادامه دلبستگی و وابستگی به امریکاندارند. در این شرایط، هم خانم می و هم آقای ترامپ اصرار دارند تا نشان دهند که راهبرد حفظ و بهبود عمیق و گسترده مناسبات دوجانبه، در واقع تداوم و تقویت سنت دیرینه مناسبات ویژه و ناگسستنی دو کشور از سال های دور و دست کم از زمان جنگ جهانی دوم بوده و شرایط حاد و حساس کنونی دو کشور تأثیر چندانی بر این تصمیم ناگزیر نداشته است. از منظر ترامپ و تیم مشاوران درونگرای او، دولت محافظه کار بریتانیا، بخصوص بریتانیای کنونی گرفتار برگزیت، شریکی مطمئن در اروپا برای اشاعه و اعمال فرهنگ و آموزه یکجانبه گرایی و کم رنگ کردن نقش و کارکرد اتحادیه اروپا و اتحادی سازمان پیمان آتلانتیک شمالی / ناتو و همچنین کاهش درگیری های اقتصادی و نظامی واشنگتن در خارج از امریکای شمالی است.

از منظر ترزا می، بریتانیا، بخصوص در دوران نامطمئن پسابزرگیزت و شرایط بغرنج و نامعلوم سیطره ترامپسم در امریکا، جز اتکا به واشنگتن به عنوان مهم ترین حامی اصلی تجارت آزاد، امنیت منطقه ای و جهانی و حلیقه نجات لندن از رکود تورم و عدم اطمینان در دوران گسست از اروپای واحد، چاره دیگری وجود ندارد. طبیعی است که رهبران بریتانیا نیز همانند اغلب رهبران اروپایی علاقه مند بودند تا با سیاستمداران باتجربه تر و قابل پیش بینی تری نسبت به ترامپ کار کنند ولی آنان چه عاشق ترامپ باشند و چه از او متنفر باشند، شرایط ناگزیر کنونی امکان انتخاب را از لندن گرفته و انتخابی به عنوان کاهش روابط یا قهر با واشنگتن روی میز دولت بریتانیا، حتی برای نخست وزیر سابقا مشهور به میانه روی محافظه کاران باقی نگذاشته است.

تاریخ تکرار نمی شود

از نظر تاریخی، رابطه ویژه در دوران طلایی مناسبات لندن-واشنگتن در عصر تاچر و ریگان، به طرز مشهودی با اهداف و سیاست های دفاعی، امنیتی و راهبردی آمیخته بوده و خارج از این سه مقوله و سوای این جنبه ها، امکانی برای داشتن روابط ویژه صرفا در وجوه سیاسی و اقتصادی متصور نبوده است. این در شرایطی است که ترامپ تبلیغ کننده کاهش نقش جهانی و فراتلانتیکی کشورش است و این ویژگی نشانگر آن است که دوران تاچرسم و ریگانسم در هر دو کشور به کلی سپری شده است.

از سوی دیگر، شرایط داخلی دو کشور و پیچیدگی های منطقه ای و جهانی نیز به وضوح نشانگر آن است که بازگشت به دوران دوست داشتنی تاچر-ریگان در مناسبات دو کشور نه مقدور است و نه میسر. مقدور نیست چون معضلات دو کشور در پس بحران های جدی اجتماعی و رکود اقتصادی ناشی از ناکارآمدی های داخلی و بیش از ۱۳ سال مداخله و اشغال نظامی دیگر کشورها رمقی برای بلندپروازی های عصر تاچر و ریگان باقی نگذاشته است. تکرار شرایط دهه هشتاد قرن گذشته میسر نیست، چون از پس برگزیت و انتخاب ترامپ، هر دو کشور بشدت دچار تشنگی دوقطبی و سرکشتگی در تصمیم گیری شده و هیچ یک از دور رهبر کنونی نمی توانند مدعی شوند که نماینده اکثریت مطلق و بلامنازع شهر و ندان خود هستند.

در بریتانیا، نه تنها در احزاب مخالف کارگر و لیبرال دموکرات و گروه های مختلف ایرلند شمالی و اسکاتلند، که حتی در میان بخش مهمی از بدنه و رهبری حزب محافظه کار، به ترزای می به عنوان

مهم این است که در این شرایط، آیا برای امریکا اساسا سرمایه گذاری و شرط بندی روی بریتانیای تضعیف شده به عنوان شریک و متحد راهبردی، ناگسستنی و ویژه، توجه اقتصادی، نظامی، امنیتی و راهبردی دارد و آیا بهتر نیست که توان و هزینه واشنگتن صرف جلب نظر و اتحاد با کشورهای مقتدرتر و بانفوذتری چون آلمان و فرانسه شود؟

البته سردمداران سیاسی لندن با اصرار ادعا می کنند که با مدیریت صحیح و گذار از دوران برزخی پسابزرگیزت خدشه چندانی به اعتبار و اقتدار آن کشور در سپهر منطقه ای و جهانی وارد نیامده و در آینده نیز نخواهد آمد ولی واقعیت ها و گزارش های مستقل موجود، دست کم تا این مرحله، این ادعا را در هیچ یک از ابعاد اقتصادی، سیاسی، نظامی و راهبردی تأیید نمی کند.

پارادوکس دوم، اصرار بریتانیا و اتحادی امریکا به این روابط ویژه و ناگسستنی، در زمانه و شرایطی است که ترامپ و مشاوران او از ابتدا اصرار داشته و دارند که دولت جدید در واشنگتن دیگر قصد مشارکت فعال در عرصه جهانی نداشته و بیشتر هم و غم خود را صرف بهبود شرایط امریکا و محیط پیرامون آن کشور خواهد کرد. این ادعا، به فرض صحت، کاملا با داشتن روابط خاص فراتلانتیکی با لندن مغایرت داشته و اساسا با اجرایی شدن آموزه های امریکایی، چه نیازی به این رابطه ویژه راهبردی است؟

در این شرایط تعجبی ندارد که خانم می با سرعت و عجله تلاش کرد تا به عنوان پیشاهنگ و پیشگام رهبران جهانی برای عرض تبریک به ترامپ روانه واشنگتن شده و با شتاب او را به یک سفر رسمی به لندن دعوت کند؛ اقدامی که با مخالفت جمع قابل توجهی از افکار عمومی در بریتانیا روبه رو شده و تاکنون حدود یک میلیون و ۹۰۰ هزار نفر با ثبت نام و مشخصات کامل خود، در نظر سنجی

نخست وزیر دوران گذار و مگری شرایط دشوار بیرون رفت از اتحادیه اروپا نگاه می شود و حتی اگر بتواند تا زمان انتخابات ماه مه ۲۰۲۰ بر سر بر قدرت باقی بماند، بقیه سیاستمداران بلندپرواز حاکم و اپوزیسیون بریتانیا از هم اکنون خود را آماده به زیر کشیدن او در انتخابات سراسری بعدی کرده و مصمم هستند تا اجازه ندهند که رؤیای تکرار شکست ناپذیری انتخاباتی تاچر در مورد ترزای محقق شود. در امریکانیز و واقع بینان جمهوریخواه و دموکرات، از هم اکنون به دنبال انتخابات سراسری ۲۰۲۰ هستند و تلاش دارند تا ترامپ را به سر نوشت جیمی کارتر و جورج بوش پدر دچار کرده و دوران حکومت ترامپ را به چهار سال محدود کنند. این در حالی است که عده ای حتی این را نیز بر نمی تابند و از همین آغاز در پی یافتن راهکار و ساز و کار قانونی برای استیضاح و برکناری این رئیس جمهوری نامتعارف، قبل از اتمام دوران چهار ساله ریاست او هستند.

در این موقعیت، دم زدن از دوران تاچرسم و ریگانسم بیشتر به یک شوخی و شعار تبلیغاتی در جهت کاهش بحران های موجود و جلب آرای سیاستمداران، نخبگان، رسانه ها و افکار عمومی در جهت اقبال مجدد مناسبات ویژه لندن-واشنگتن است؛ مناسباتی که لندن به مراتب بیشتر محتاج و مصر و مشتاق آن بوده و حتی در مواردی واشنگتن را با ابراهام لینکلن هم میسر می کشاند.

پارادوکس در روابط لندن-واشنگتن

سوای همه این مسائل، در مناسبات دوجانبه دو کشور دو پارادوکس لاینحل جدی دیگر نیز وجود دارد. ترامپ تصمیم بریتانیا به خروج از اروپای واحد را مورد تمجید قرار داد و از آن دفاع کرد. با این همه، کمتر کسی تردید دارد که خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، اعتبار و اقتدار سیاسی، نظامی و راهبردی منطقه ای و بین المللی آن کشور را در اروپا و جهان بشدت کاهش داده و خواهد داد. سؤال

